

تأثیر و نقش جنسیت در مجازات ها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۹/۱۸)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

سپیده جلیلیان

دانشجوی کارشناسی ارشد، فقه و حقوق، الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

در این مقاله قصد داریم بررسی کنیم با توجه به اینکه ماهیت زن و مرد یکسان است، آیا زن یا مرد بودن تأثیری در اجرای مجازات ها دارد ولی به نظر می رسد که با توجه به قانون مجازات اسلامی تفاوت در مجازات ها وجود دارد. و در مواردی به جهت تخفیف به زن اجرای مجازات او متفاوت از مردان است. همچنین این تفاوت در اجرای بعضی از مجازات ها در مردان هم وجود دارد (مانند قذف، یا قتل به واسطه زنای همسر) ولی این تفاوت هایی که در مجازات وجود دارد باعث نمی شود که بگوییم خداوند متعال نسبت به بندگان تبعیض قائل شده و بی عدالتی در خداوند به جهت این موضوع وجود ندارد.

واژگان کلیدی: جرم، جنسیت، تفاوت زن و مرد، مجازات، اجرای مجازات

مقدمه

اسلام به عنوان يك مكتب كه آخرين دستورالعمل الهی را برای انسان به وجود آورده، دیدگاه خاصی نسبت به حقوق زن و مرد دارد. در آیه ۴۹ سوره الذاریات خداوند می فرماید: «من كل شی خلقنا زوجین لعلکم تذكرون»

ترجمه: از هر چیز ۲ جفت آفریدیم تا مگر متذکر حکمت خداوند شوید.

خداوند متعال مردم را با استعدادهای مختلف و شرایط گوناگون آفریده و اگر همه را در یک سطح از استعداد و قدرت می آفرید نظام هستی از بین می رفت چون کارها و وظایف گوناگون است لذا باید مخلوقات تفاوت داشته باشند اما اسلام، انسان یعنی زن و مرد را از لحاظ شخصیت انسانی و فضیلت های انسانی یکسان می داند، و این تساوی به معنی مشابه بودن در حقوق و تکالیف آنها نیست. و اینکه زن و مرد از لحاظ روحی و جسمی متفاوت اند به دلیل نقص و برتری یکی نسبت به دیگری نمی باشد و این تفاوت ها بی عدالتی خداوند را نمی رساند چون زمانی بی عدالتی محسوب می شود که در شرایط یکسان بین زن و مرد فرق گذاشته شود.

سوال: آیا این تفاوت هایی که بین زن و مرد وجود دارد فرق است یا تبعیض؟

آنچه که در قوانین وجود دارد در حقیقت تفاوت است نه تبعیض و بی عدالتی. بی عدالتی یعنی در شرایط مساوی بین افراد فرق گذاشته شود ولی تفاوت یعنی اینکه در شرایط نامساوی فرق گذاشته شود. و اینکه می گوئیم زن و مرد در شخصیت با هم مساوی هستند، با تشابه کامل آنها در حقوق ملازمه ندارد. و در خود قرآن و اسلام دعوت به عدالت آمده است. (العدل اقوی اساس) و لذا ارسال رسولان برای اقامه عدالت است. بنابراین هر چیزی که از سوی خداوند تشریح شود عدالانه بوده و هیچ اثری از ظلم و بی عدالتی در آن وجود ندارد. (کاظم زاده، علی، تفاوت حقوقی زن و مرد، ص ۱۸ و ۱۶)

نکته ۱: قانون گذار به هنگام وضع قانون و برقراری حقوق و تکالیف، برای زن و مرد باید طبیعت آنها را مورد توجه قرار دهد. زن و مرد به عنوان دو صنف از نوع انسانی و به دلیل اشتراک در سرشت و ارزش های انسانی از حقوق و تکالیف یکسانی برخوردارند. و این اختلاف های حقوقی به هیچ وجه

جنبه ارزشی ندارد و در کمال حقیقی انسان که قرب او به سوی حضرت حق است نقشی ندارد. (کاظم زاده، علی، تفاوت حقوق زن و مرد، ص ۲۱)

نکته ۲: وقتی خداوند در قرآن از انسانیت زن و مرد سخن می گوید هر ۲ نفر را به طور یکسان مورد خطاب قرار می دهد و در مورد کیفر آنها تفاوتی قائل نیست.

به ۲ دلیل: ۱- «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ»

ترجمه: باید شما مومنان هریک از مردان و زنان زنا کار را به صد تازیانه مجازات کنید.

۲- در آیه دیگر: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»

ترجمه: دست زن و مرد دزد را به کیفرشان ببرید.

نکته: در زنا اول حکم زن بیان شده و بعد حکم مرد، ولی در سرقت اول حکم مرد بیان شده بعد حکم زن. و علت آن این است که در زنا عمل زن بر عمل مرد غلبه دارد و سرقت برعکس (عمل مرد بر عمل زن غلبه دارد).

در اسلام مجازات بسیاری از جرایم درباره زن و مرد به صورت مساوی اجرا می شود و در حدود و مجازات هایی که برای گناهان و تجاوزات گوناگون مقرر شده نسبت به زن و مرد هر دو اجرا می شود.

و در زمان حضرت رسول اکرم (ص) حد سرقت را درباره یکی از زنا اشراف به امر آن حضرت اجرا نمودند.

۳- «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يَبْطَلُونَ»

ترجمه: هرکس کاری شایسته کند، چه مرد چه زن اگر مومن باشد به بهشت می رود و به قدر آن گودی که بر پشت هسته خرما وجود دارد به کسی ستم نمی شود.

توضیح: از این آیه علت تساوی عمل زن و مرد به دست می آید که انسان کوشنده باید پاداش بگیرد و اگر تفاوتی بین تلاش زن و مرد باشد ظلم است. و خداوند چنین ظلمی را قبول ندارد. (علی کاظم زاده، تفاوت حقوقی زن و مرد، ص ۳۰ و ۲۸)

نکته: ولی زن و مرد از لحاظ ۱-روحي و جسمی ۲-قدرت بدنی و نیرو کاری ۳-روحي و عاطفی متفاوت اند.

زنا: اگر کسی با مادر خود یا زن محصنه (زن شوهر دار) به گمان حلیت ازدواج با آنها ازدواج کند حدی بر او نیست. زیرا: این نکاح از روی شبهه است و حدود به واسطه شبهه دفع می شود. هم چنین اکراه بر زنا در مورد مردم هم صدق می کند و باعث می شود که حد از او ساقط شود همانطور که در مورد زن، اکراه حد را ساقط می کند.

زنا با چهار بار اقرار (شخص بر علیه خودش) ثابت می شود. در صورتی که اکراه کننده، کامل، مختار و آزاد باشد. (المعه الدمشقیه، شهید اول، علی شیروانی، ص ۲۲۲)

نکته: گفته شده که زنای یک زن با پسر بچه خیلی کمتر از زنا توسط یک مرد با دختر بچه است زیرا آسیبی که یک دختر بچه به واسطه زنا بر او عارض می شود خیلی بیشتر از پسر بچه است که مورد زنا واقع شده است.

اقسام حد:

۱-کشتن: این حد در ۳ مورد وجود دارد: ۱-مردی که با محارم نسبی خود زنا کند مانند مادر و خواهر (عمه و خاله و دختر برادر) ۲-کافر ذمی هرگاه با زن مسلمان زنا کند. ۳-مردی که زن را مجبور به زنای با خود کرده است.

نکته: در این ۳ مورد احسان معتبر نیست و بنا بر اقوی چنین کسانی ابتدا شلاق می خورند و بعد کشته می شوند.

۲-سنگسار کردن: این حد مردی است که محصن است و با یک زن بالغ زنا کرده است.

نکته: نزدیک تر به ثواب این است که هرگاه زانی محصن باشد هم شلاق می خورد و هم سنگسار می شود به این صورت که اول او را شلاق می زنند و بعد زن را تا سینه و مرد را تا کمر در خاک دفن می کنند و اگر بعد از قرار دادن آنها در گودال فرار کنند در صورتی که زنا باینه ثابت شده باشد یا اینکه سنگی به او نخورده باشد او را دوباره بر می گردانند و گرنه بازگردانده نمی شود.

۳- شلاق: این حد مرد بالغ محصن است، زمانیکه با یک دختر غیربالغ یا دیوانه زنا کند و هم چنین حد زنی که پسر غیربالغ با او زنا کرده است. و اگر دیوانه با زن زنا کند حد کامل بر زن جاری می شود. (به این صورت که اول شلاق می خورد و بعد سنگسار می شود.) و نزدیک تر به صواب آن است که حدی بر دیوانه نیست.

(لمغه الدمشقیه، شهید اول، علی شیروانی ص ۲۲۶ و ۲۲۵ و ۲۲۴)

۴- چهارمین مورد از اقسام حد: شلاق زدن، جز (سر تراشیدن و تغریب)

تبعید کردن: این حد برای مرد آزاد و غیر محصن واجب می شود و بنابر قولی تبعید کردن اختصاص به کسی دارد که همسری دارد و با او رابطه زناشویی نداشته.

جز: سر تراشیدن سر است تغریب: تبعید کردن او از شهرش به شهر دیگر به مدت یکسال، و زن زانی را نه سر می تراشند و نه تبعید می کنند.

۵- پنجاه شلاق: این حد بنده و کنیز است اگرچه همسر داشته باشند و هیچ یک از آنها سر نمی تراشند و تبعید نمی کنند.

نکته: علت اینکه آنها را یعنی زن را نه تبعید می کنند نه سر می تراشند مورد زیر است:

۱- مجازات تبعید برای زنان عوارض بیشتری دارد نسبت به مردان زیرا در صورت تبعید زن و جدا کردن آن از خانواده باعث جدایی از فرزندانش می شود به عنوان یک مادر و این امر آسیب خیلی جدی به نظام خانواده وارد می کند چون که زنان هستند که وظیفه و مسئولیت رسیدگی و تربیت فرزندان را به عهده دارد و علت تفاوت در حکم این است که خداوند متعال با این کار جلوی از هم

پاشیدن کانون گرم خانواده را گرفته چون که اگر شخص مجرم مجازات شود به دنبال آن افراد دیگر هم متأثر می شوند. (المعه الدمشقیه، شهید اول، علی شیروانی، ص ۲۲۷ و ۲۲۶)

نکته ۲: و علت اینکه برای زن متاهل این مجازات وجود ندارد و مشمول حکم زناى ساده می شود به این علت است که چون قبح زناى مرد بیشتر از زناى زن است. و اینکه مرد خواسته خود را از طریق شرعى و قانونی پاسخ دهد شرایطش نسبت به زن بیشتر فراهم است.

و علت اینکه در اجرای مجازات سر زن را نمی تراشند: چون مو برای زنان اهمیت و زیبایی بیشتری دارد تا مردان و اگر قرار بود که زن هم سرش تراشیده شود در این صورت عدالت بین زن و مرد رعایت نمی شود و باعث ظلم به او می شد.

طریق شلاق زدن برای اجرای حد زنا:

شلاق با شدت هرچه تمام تر بر بدن زانی نواخته می شود و بر قسمت های مختلف پیکر او زده می شود اما بر سر و صورت و فرج او شلاق نمی زنند.

نکته: مرد زانی هنگام شلاق خوردن باید بایستد و زن زانی بنشیند در حالی که لباسش را به او بسته اند. (المعه الدمشقیه، شهید اول، علی شیروانی، ص ۲۲۶)

۲- نکته در رابطه با اینکه زن باید هنگام شلاق زدن یا اجرای حد پوشیده باشد:

۱- شاید به این علت باشد که بدن زن عورت به حساب می آید و باید آن را به صورت کامل بپوشانند.

۲- علت دیگر این است که چون بدن زن ضعیف است نسبت به بدن مردان و هنگام شلاق زدن درد بیشتر را نسبت به مردان تحمل می کنند. و اگر این تفاوت جود نداشته باشد به هنگام مجازات، عدالت رعایت نمی شود.

نکات پایانی بخش زنا: نکته اول:

مطابق ماده ۲۲۴ از (قانون مجازات اسلامی): زناى با زن پدر موجب اعدام زانی است. ولی اگر شخصی با شوهر مادر خود زنا کند مجازات او ۱۰۰ ضربه شلاق است مانند زناى ساده. علت تفاوت در

این مورد این می تواند باشد که چون زن آبروی مرد است و ناموس مرد می باشد در این جا آبروی مرد بیشتر به خاطر این عمل تحت تاثیر قرار گرفته.

نکته دوم: اگر شخصی مردی را در حال زنا با زن خود ببیند، می تواند هردو آنها را بکشد و گناهی بر او نیست. ام بر او قصاص واجب می شود مگر آنکه بر مدعای خود بینه اقامه کند یا اینکه ولی مقتول او را تصدیق کند.

نکته سوم: اگر زنی مرتکب زنا شده باشد و چهار بار بر این عمل اقرار کند، به واسطه این زنا حامله شود، بدون اینکه شوهر داشته باشد، حد نمی خورد و تا زمان وضع حمل حدود به تاخیر می افتد. (المعه الدمشقیه، شهید اول، شیروانی، ص ۲۳۰ و ۲۲۹)

اجرای حد رد لواط و مساحقه با هم متفاوت است:

۱-لواط: اگر مردی که آزاد و بالغ است از روی اختیار اقرار به لواط کند یا اینکه ۴ مرد علیه او شهادت دهند که با چشم خود دیده اند، آن مرد کشته می شود، خواه محصن باشد یا نباشد. و کشتن ممکن به این صورت باشد(با شمشیر، یا سوزاندن یا سنگسار کردن یا خراب کردن دیوار بر سر او و یا پرتاب کردنش از مکان بلند).

نکته: در این مورد کودک تعزیر و دیوانه تادیب می شود.

اگر قبل از آنکه بر علیه او شهادت دهند توبه کند، حد از او ساقط می شود خواه حدش قتل باشد یا تازیانه. ولی اگر بعد از آوردن بینه توبه کند، حد از او ساقط نمی شود و هم چنین است اگر به علیه خود اقرار کند، و بعد توبه کند اما در مورد شخصمقر امام مخیر است بین عفو و اجرای حد. (المعه الدمشقیه، شهید اول، شیروانی، ص ۲۳۲ و ۲۳۰)

۲-مساحقه: با شهادت چهار مرد یا چهار بار اقرار ثابت می شود و حد آن ۱۰۰ ضربه شلاق است. خواه آزاد باشد یا کنیز، مسلمان باشد یا کافر محصن باشد یا غیر محصن و اگر ۳ بار آن کار را تکرار کند و پس از هر دفعه حد بخورد، دفعه چهارم کشته می شود. و اگر پیش از قیام بینه توبه کند، حد از او ساقط می شود و بعد از بینه توبه کند امام مخیر است بین عفو یا حد. (شهید اول، شیروانی، ص ۲۳۲)

نکته مساحقه: به نظر می رسد علت اینکه در اجرای حد لواط و مساحقه تفاوت وجود دارد به این علت باشد عمل لواط که توسط مردان صورت می گیرد زشت تر از عمل مساحقه است که توسط زنان انجام می گیرد و انسان باید میل جنسی خود را از راه طبیعی و مشروع که خداوند برای او قرار داده است ارضا کند و چون شرایط در جامعه بیشتر برای مرد محیا است مانند تعدد زوجات که این مجوز برای زنان در جامعه وجود ندارد، زشتی کار او قبیح تر از زنان است و اگر مجازات آنها به این صورت باشد برخلاف عدالت است. اما در قیادت برای اجرای حد تفاوتی نیست الا در تبعید و تراشیدن سر:

قیادت: قیادت عبارت است از به هم رساندن مرتکبین فحشا مثل زنا، لواط و مساحقه، و قوادی با ۲ بار اقرار شخص دارای اهلیت و مختار یا شهادت ۲ شاهد مرد عادل ثابت می گردد.

حد قوادی ۷۵ ضربه تازیانه می باشد. خواه مرتکب مسلمان باشد یا کافر، مرد باشد یا زن و نیز گفته شده که سر او تراشیده شده و در شهر گرداندن می شود ولی زن قواد در شهر نمی گردانند و تبعید نمی کنند. علت آن در موارد قبلی گفته شد. ۱- چون که با تبعید زن خانواده او متاثر می شوند و خطر فروپاشی نظام خانواده وجود دارد. چون مسئولیت تربیت فرزندان برعهده مادر خانواده است.

۲- و علت دیگر اینکه چون لواط مختص مردان است و کمتر پیش می آید که زن در آن مداخله کند و مردان به این عمل (قوادی) بیشتر مرتکب می شوند. (متون فقه پیشرفته، جواد عرب عامری، ص ۶۵۷)

ماده ۲۴۳ ق.م.ا حد قوادی بری مرد ۷۵ ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق به عنوان حد به تبعید تا یکسال محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند ولی برای زن فقط ۷۵ ضربه شلاق است.

قذف: یعنی نسبت دادن زنا یا لواط به شنوده یا غایب به شرط اینکه:

۱- گوینده یا قاذف یعنی کسیکه مرتکب جرم قذف شده به آن چه که می گوید علم داشته باشد.

۲- قصد نسبت دادن زنا یا لواط را داشته باشد نه قصد دیگر مثل خاموش کردن خشم خود.

۳- این نسبت زنا یا لواط باید به قدری صریح باشد.

۴-مقدوف(مجنی علیه علیه قذف) معین باشد. (ترمینولوژی، محمدجعفر جعفری سنگرودی، ص ۵۲۹)

همانطور که قبلاً هم گفتیم قذف یعنی نسبت دادن زنا یا لواط است مثلاً بگوید تو زنا کردی مثل اینکه به فرزندش بگوید تو فرزند من نیستی یا به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند پدرت نیستی» قذف مادر وی محسوب می شود. (مطابق ماده ۲۴۷ ق.م.ا) حد قذف ۸۰ تازیانه.م ۲۵۰.ق.م.ا اعم از زن یا مرد.(فقه استدلالی، سید مهدی دادمیزی ص ۶۱۲و ۶۱۰)

نکته قذف: ولی گفته شده که از این حد قذف معاف است و حد در مورد زن جایز نیست به علت اینکه مرد هدفش این است از ملاعنه که فرزندى که ملحق به خودش است را نفی کند.

درمورد کشتن فرزند یا صدمه زدن بر والدین مانع تحقق جنایت عمدی نخواهد بود.

فرزندکشی از شیوه های ناپسند و شنیعی است که از دوران گذشته با انگیزه های مختلفی صورت می گرفته. و قرآن کریم مردم را از این عمل منفور نهی فرموده و این جرم را خطایی بزرگ به شمار آورده است.

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»

این نهی در جای دیگر مورد تاکید قرار گرفته. قتل فرزند در برخی از قوانین اجرایی کشورها دارای حکمی خاص بوده مثلاً برای مادرانی که به منظور حفظ آبرو اقدام به کشتن فرزند نوزاد خود کنند. مجازات کمتری پیش بینی شده. قانونگذار اسلامی جنایت علیه فرزند از طرف مادر را مشمول احکام کلی جنایات عمدی دانسته و حیات کودکان را از بدو تولد و حتی قبل از آن مورد حمایت قرار داده و جانی را در این خصوص مشمول کیفر دانسته است.

فقیهان اسلامی درباره پدری که علیه فرزند خود مرتکب جنایت عمدی شده است با استناد به روایت های متعددی که در این باب آمده است، مجازات «قصاص» را منتفی دانسته است و تصریح کرده است که مرتکب علاوه بر پرداخت دیه تعزیر می گردد.

ارتداد: در اصطلاح لغوی و فقهی به یک معنی است. فلذا شهید اول در کتاب شریف لمعه در تعریف ارتداد می فرماید: ارتداد عبارت است از کفر بعد از اسلام و شارح آن مرحوم شهید ثانی می فرماید

گاهی با گفتاری کفرآمیز و گاهی با کار مفراً آور محقق می شود. (دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، حضرت آبت الله سید محمدحسن مرعشی، ص ۷۶) پذیرش توبه مرتد فطری و ملی: از نظر قرآن مجید مرتدین پس از اتمام حجت و عدم توبه، مستحق کیفر در آخرت می باشد و از آیات ۸۶ و ۸۹ سوره آل عمران، این یه دست می آید که خداوند توبه مرتد را می پذیرد خواه مرتد فطری باشد و یا مرتد ملی باشد. زیرا در آیه اول جمله «کفروا بعد ایمانهم» آمده است و کفر پس از ایمان اعم است از اینکه مسبوق به کفر باشد (مرتد ملی) و یا مسبوق به کفر نباشد (مرتد فطری)

نکته: خداوند فرموده که توبه ۲ دسته قبول نمی شود

۱- کسانی که بعد از اتمام حجت در کفر طغیان می ورزند.

۲- کسانی که بعد از اتمام حجت در حال کفر می میرند.

دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، محمدحسن مرعشی، ۸۴ و ۸۳

حد ارتداد: زن و مرد در اجرای حد ارتداد با هم تفاوت دارند و مجازات مرتد مرد و زن متفاوت تعیین شده و قانون گذار معترض این حد نشده. در کتاب های فقهی مجازات مرتد فطری (فردی که از اصل مسلمان بوده و بعد کافر شده). اگر مرد باشد اعدام و اگر زن باشد مجازات نوعی حبس با اعمال شاقه تا زمانی که توبه کند و اگر توبه نکند تا زمان مرگ این مجازات ادامه خواهد داشت. برخی علت این تفاوت را اجحافی است که بر زن روا داشته اند و اسلام برای برطرف کردن این ظلم و اینکه ارزش زن را در جامعه بالا ببرد این تفاوت را برای آنها قائل شده است. ولی بهتر است اینطور بگوییم که باید وضعیت طبیعی زن را مورد توجه قرار دهیم زیرا در تعریف ارتداد کفری ملاک است که بعد از ایمان باشد و این جرم که عمدی است باید در آن عنصر معنوی که به صورت سوءنیت قطعی است محرز شود. به دلیل ویژگی های روانشناختی بین زنان و مردان این تفاوت وجود دارد که زنان احساسی و دمدمی هستند و زود تصمیم می گیرند و به همین دلیل (نسبت به مردان بیشتر متأثر می شوند) و شارع مقدس هم با در نظر گرفتن این شرایط یا ویژگی هایی که گفته شد برای تحمیل مجازاتی از جمله اعدام تفاوت قائل شده، چون ممکن است که زن بعد از مدتی از تصمیم که گرفته منصرف شود. و خداوند مهربان امکان بازگشت آنها را محتمل دانسته.

در برخی از موارد فردی که جرمی را مرتکب می شود معاف از مجازات می شود:

۱- معافیت پدر یا جد پدری از قصاص به خاطر قتل یا جرح فرزند.

۲- معافیت پدر از حد سرقت به خاطر سرقت مال فرزند.

علت معاف بودن شوهر از قصاص:

طبق قانون مجازات اسلامی هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند. اما برای زن چنین حقی وجود ندارد یا اینکه زن معاف نیست که شوهر خود را در فرض دیدن در این مسئله به قتل برساند.

حالا چرا این معافیت برای زن وجود ندارد:

۱- چون که زوج می تواند زوج های متفاوتی داشته باشد و این را حمل بر رابطه ی مشروع می کنیم.

۲- چون که مردان بیشتر نسبت به زنان خود حساسیت نشان می دهند ولی در زنان به اندازه مردان این حساسیت وجود ندارد.

ولی طبق ماده ۶۱۲ ق.م.ا. آمده که هرکس مرتکب قتل عمد باشد و شاکی نداشته باشد. ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هرعلتی قصاص نشود. در صورتی که اقدام او باعث اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم از تجددی مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می کند. (نقش جنسیت در مجازات مجرم، جعفر یزدیان جعفری ص ۹۷)

بعضی از موارد وجود دارد که اجرای مجازات ها را به تاخیر می اندازد:

۱- در بند ۳-۲ ماده ۴۸۴ ق.آئین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۳۷ بیان شده که: در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده اند تا ۳ ماه بعد از وضع حمل، در مورد زنانی که طفل های شیرخوار دارند تا زمانی که فرزند آن به سن ۲ سال تمام برسد، در صورتی که اجرای مجازات ضرری به طفل برساند، اجرای آن به تاخیر می افتد.

زیرا مجازات در این حالت های گفته شده علاوه بر خود جنین بر روی مادر باعث رنج و عذاب بیشتری می شود. (نقش مجازات مجرم، یزدیان، ص ۱۰۰)

۲- در قانون مجازات آمده که نفاس موجب تاخیر در اجرای مجازات می شود زیرا نفاس بعد از وضع حمل زن می باشد و زن به دلیل وضعیت جسمانی ضعیفی که دارد، مجازاتش به تاخیر می افتد در این مورد برخلاف مورد اول فقط مادر مورد حمایت قانونگذار است.

۳- حیض هم باعث تاخیر در اجرای مجازات می شود در روایتی از امیر المومنین آمده که علاوه بر زن آبستن تا زمان وضع حمل و زن زایمان کرده تا زمان پاک شدن، و همچنین زن حائض تا زمانی که پاک شود حد وجود ندارد. (نقش جنسیت در مجازات های مجرم، جعفر یزدیان)

نکات مهم و تکمیلی بحث تفاوت زن و مرد در مجازات قتل فرزند:

برطبق فقه جزایی اسلام و قانون ایران قصاص یا آزاد شدن مادر قاتل را متوقف بر اجازه پدر می کند. در صورتی که پدر اگر فرزند خود را بکشد با پرداخت دیه آزاد می شود.

سوره نساء آیه ۹۲ خداوند می فرماید: برای قاتلی که از روی اشتباه کسی را به قتل برساند ۲ جریمه تعیین کرده است:

۱- آزادی برده مسلمان و اگر نتوانست ۲ ماه پشت سرهم روزه بگیرد.

۲- پرداخت خون بها به ورثه مقتول

باید این ۲ جریمه که تعیین شده را بپردازد و خودش از این دیه ارث نمی برد فقط به ورثه دیگر می دهند.

مستندات: روایتی از امام صادق (ع): اگر کسی پدر یا فرزندش را بکشد از او ارث نمی برد.

نکته: در قتل عمد اولیا و ورثه مقتول حق قصاص دارند. (مطابق آیه ۱۷۸ سوره بقره) ولی براساس فتوای اجماع فقها پدر قصاص نمی شود و باید دیه و كفاره پرداخت کند. ولی در مقابل گفته شده که مادر قصاص می شود در صورت قتل فرزند.

مستند این حکم: ۱-روایتی که از پیامبر(ص) وارد شود: حدود نباید در مساجد اجرا شود و پدر نباید به خاطر کشتن پسر قصاص شود.

۲-امام صادق(ع): هنگامیکه پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود ولی اگر پسر پدری را بکشد قصاص خواهد شد.

۳-ماده ۳۰۱ ق.م.ا قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

نکته ۱: اصل اولیه این است که اگر کسی دیگری را بکشد اولیا دم می توانند قصاص کنند. و پدر از این اصل استثناء نشده ولی مادر استثناء نشده می توانیم یگوییم به این دلیل است که تفاوت دارد.

نکته ۲: علت دیگر اینکه قصاص نمی شود پدر این است که چون پدر بر فرزند ولایت دارد ولی مادر چنین ولایتی ندارد.(جنسیت و مجازات در فقه و حقوق ایران، اعظم سرخوش صورت، ص ۸۹و۸۸) مجازات متفاوت است در جایی که پدر به فرزند تهمت بزند و در جایی که مادر تحمت بزند:

در قانون جزایی ایران و اسلام آمده که اگر پدر یا جد پدری فرزند یا نوه خود را قذف کند یعنی به آنها نسبت زنا یا لواط دهد. بر او حد جاری نمی شود فقط از سوی حاکم شرع تعزیر می شود. ولی اگر مادر فرزند خود را قذف کند به مجازات حد قذف محکوم می شود. زیرا فقها اجماع دارند به این که هیچ مجازاتی مانند قتل و حد به خاطر فرزند بر پدر ثابت نیست.(جنسیت و مجازات، خوش صورت، ص ۸۹)

((مجازات زن و مرد در جایی که از فرزند خود سرقت کنند متفاوت است))

اگر مادری از فرزند خود دزدی کند در صورت وجود شرایط مجازات حدی از جمله قطع دست برای او تعیین و اجرا می شود. و بسیاری از فقها معتقدند که از شرایط موجب حد سرقت این است که سارق پدر صاحب مال نباشد. ولی با توجه به آیه ۳۸ سوره مائده همه اقارب و اجانب مشمول مجازات قطع ید خواهند بود و فقط پدر و جد پدری به اجماع فقها از آن خارج می شود.(جنسیت و مجازات در فقه و حقوق ایران، اعظم سرخوش صورت، ص ۸۶)

مطابق ماده ۲۷۹ ق.م.ا به نظر می رسد که اجرای مجازات در محاربه برای زن و مرد مشترک باشد، چون در این ماده گفته محارب یعنی کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم). در اینجا فرقی نمی کند که چه کسی اقدام به این کار می کند چه زن باشد چه مرد مطابق ماده ۲۸۲ ق.م.ا. به یکی از چهار مجازات زیر مجازات می شود: ۱- اعدام ۲- صلب ۳- قطع دست راست و پای چپ ۴- نفی بلد.

نکته: در مورد مجازات چهارم (نفی بلد) مطابق ماده ۲۸۵ ق.م.ا.

از نفی بلد محارب باید تحت تعقیب قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد. به نظر می رسد که علت آن این باشد: چون مرتکب محاربه (چه زن چه مرد) خطرناک است و برای جلوگیری از توطئه ها و خطرهای او باید محل تبعید تحت تعقیب باشد.

نتیجه گیری

همانطور که قبلاً گفتیم، در اسلام هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و در اسلام هیچ فرد دیگری بر دیگری اولویت ندارد. اسلام انسان ها را از جهت انسانیت و فضیلت های انسانی برابر یک دیگر می داند معیار ارزش انسان ها به جهت تقوای آن ها است، ولی آنها در وظایف و حقوقی که دارند شبیه هم نیستند و تفاوتی در تکالیف و حقوق دارند و این به جهت بی عدالتی خداوند نبود بلکه حکمتی در آن وجود دارد. زن و مرد از جهت روحی و جسمی با هم تفاوت دارند. ولی در اجرای مجازات ها در قانون مجازات و در فقه و حقوق بعد از بررسی به این نتیجه رسیدیم که در اجرای مجازات بین زن و مرد تفاوت وجود دارد مثلاً مجازات زنان در مساحقه و لواط یا زنا کمتر از مردان است به دلایلی که قبلاً ذکر شده و هم چنین مجازات مردان در سرقت از مال فرزند یا معاف بودن پدر از قصاص در صورت قتل فرزند و یا تهمت زدن پدر به فرزند خود کمتر است نسبت به زنان.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، (گنج دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۴)
- ۳- خوش صورت، اعظم، جنسیت و مجازات در فقه و حقوق ایران (شماره یکم، تابستان، ۱۳۹۷)
- ۴- داد مرزی، سید مهدی، فقه استدلالی، (کتاب طه، ۱۳۹۷)
- ۵- شیروانی، علی، لمعه الدمشقیه، جلد دوم (دارالکفر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۳)
- ۶- شمس، عبدالله، قانون مجازات اسلامی، (دراک، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۶)
- ۷- صادقی، محمدهادی، جرایم علیه اشخاص (تهران، میزان، چاپ هفتم، ۱۳۹۳)
- ۸- صیادی، مهدی، عرب عامری، جواد، متون فقه پیشرفته، (چاپ هشتم، ۱۳۹۸)
- ۹- کاظم زاده، علی، تفاوت حقوقی زن و مرد (میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶)
- ۱۰- مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، (صدرا، چاپ دوم، ۱۳۵۷)
- ۱۱- مرعشی، حضرت آیت الله سید محمدحسن، دیدگاه نو در حقوق کیفری اسلام (میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۶)
- ۱۲- یزدیان، جعفری، جعفر، نقش خبیث در مجازات مجرم (پاییز ۱۳۸۸)

